

Wer spricht da?

(۱) این صدای کیست؟

خلاصه مطالب

یادآوری نکات مهم دستوری

۱- تغییر حروف با صدای افعال

در زبان آلمانی وقتی فعل صرف میشود ماده فعل شناسه های مختلف میگیرد. ولی خود ماده فعل هم در هنگام صرف تغییراتی پیدا میکند. این تغییرات ماده فعل در صیغه دوم شخص و سوم شخص مفرد پیش میاید، بدین ترتیب که حرف e تبدیل به i یا ie میشود.

مصدر	ماده فعل	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد
lesen	les-	du liest	er liest
sehen	seh-	du siehst	er sieht
sprechen	sprech-	du sprichst	er spricht

۲- نفی با کلمه **nichts**

nichts خبر جمله را بطور کلی نفی میکند و از نظر معنی مقابل یا عکس "همه چیز" است.
Ich sehe alles / Ich sehe gar nichts.

۳- حرف **gar**

حرف **gar** منظور گوینده را تشدید میکند و معادل "اصلاً" یا "بکلی" در زبان فارسی است.
Ich sehe gar nichts.

جملات مناسب برای موقعیت های مختلف

Das siehst du doch! وقتی میخواهید کسی را متوجه امری بکنید، میگویید:

وقتی چیزی، یعنی موضوعی را یکجا و در کل رد میکنید،

میگویید:

Ich sage / mache nichts وقتی با پیشنهاد یا فکری (ایده ای) موافقت میکنید:

Das ist eine gute Idee. وقتی میخواهید رازی را فاش کنید، میگویید:

Das ist mein Geheimnis.

اکس مزاحم آندره آس که مشغول خواندن کتاب است میشود. آندره آس با قدری تغییر به اکس میگوید: می بینی که من مشغول کاری هستم و اکس با عصبانیت پرخاش میکند که: من هیچ چیز را نمی بینم و خودم هم دیده نمی شوم.

Ex: Andreas, was machst du?

Andreas: Lesen.

Ex: Was liest du?

Andreas. Ich lese ein Buch. Das siehst du doch!

(۱) در گویش آلمانی = اینجا کیست که حرف میزند؟

Ex: Ich sehe nichts, ich sehe gar nichts. Ich bin unsichtbar und sehe nichts.

Andreas: Ex sieht nichts und stört viel.

اکس با صدای بلند به اطلاع دیگران میرساند که گرسنه است. خانم برگر که مدتیست دلش میخواد راز این صدای مجهول الهویه، یعنی صدای اکس را کشف کند: این حرف اکس را میشوند و با این پیشنهاد که با هم بروند و غذا بخورند موافقت میکند. آندره اس هم کتاب خواندنش را به پایان رسانده است.

Andreas: So - fertig!

Ex: Au, au - mein Bauch tut weh!

Andreas: Ex, was ist?

Ex: Ich habe Hunger!

Andreas: Ex hat Hunger?

Ex: Sowieso! Hunger!

Frau Berger: Ich habe auch Hunger.

Andreas: Guten Abend, Frau Berger.

Ex: Gehen wir zusammen essen?

Frau Berger: Das ist eine gute Idee! Aber sagen sie mal: Wer spricht da?

Ich sehe nur Sie.

Andreas: Ich bin doch Bauchredner!

Frau Berger: Soso! Interessant!

Andreas: Aber - das ist mein Geheimnis.

Ex: Los gehts!

WÖRTER UND WENDUNGEN

لغات و اصطلاحات

lesen	خواندن
nichts	هیچ چیز
gar nichts	اصلاً هیچ چیز
unsichtbar	نامرئی
stören	اذیت کردن - مزاحم شدن
So - fertig!	خوبی تمام شد
fertig	تمام - انجام یافته
Au!	وای! - آخ!
der Bauch	شکم
der Hunger	گرسنگی
zusammen	باهم
essen	خوردن
essen gehen	برای غذا خوردن (بیرون یا به رستوران) رفتن
eine gute Idee	فکر یا اندیشه خوب - ایده خوب
sprechen	صحبت کردن - حرف زدن
der Bauchredner	متکلم بطنی (کسی که بدون حرکت لبها و از توی شکم میتواند حرف بزند)
das Geheimnis	راز - سِر
Los gehts!	راه بیفتید!
die Unsichtbare	موجود مؤنث نامرئی

۱ طبق نمونه ۱ به سئوالات بعدی پاسخ دهید.

1. Machst du das?
2. Kaufst du die Bluse?
3. Hörst du die Platten?
4. Weißt du das?
5. Glaubst du das?
6. Verstehst du das?

Ich mache gar nichts.

۲ در جمله های زیر صیغه های صحیح فعل های sehen و lesen و sprechen را قرار دهید.

1. _____ du die Flöhe? 2. Flöhe? Nein, ich **sehe** gar nichts.
3. Frau Berger _____ auch nichts.
4. _____ du das Buch da? 5. Nein, ich _____ gar nichts.
6. Meine Freundin _____ auch nichts.
7. _____ du mit Frau Berger? 8. Ja, ich _____ mit Frau Berger.
9. Andreas _____ auch mit Frau Berger.

۳ جمله های زیر را مرتب کنید. (کلمات را چنان پس و پیش کنید که هر کلمه در جای درست جمله قرار گیرد.)

1. unsichtbar Ex ist
2. auch Frau Berger Hunger hat
3. essen wir gehen zusammen
4. Idee eine ist gute das
5. da wer spricht
6. Sie nur sehe ich
7. Bauchredner doch bin ich
8. Geheimnis mein das ist

Ex ist unsichtbar.
